****

[ادامه بررسی حکم ترک غیر عمدی سعی 1](#_Toc487627877)

[بررسی حکم به بطلان احرام با ترک سعی 1](#_Toc487627878)

[دلیل بر بطلان احرام به بطلان سعی 1](#_Toc487627879)

[نقد دلیل مذکور 2](#_Toc487627880)

[ادله عدم بطلان احرام به بطلان سعی (قول مشهور) 2](#_Toc487627881)

[دلیل اول 2](#_Toc487627882)

[دلیل دوم: اطلاق صحیحه معاویة بن عمار 3](#_Toc487627883)

[دلیل سوم: اطلاق صحیحه دیگر معاویة بن عمار 3](#_Toc487627884)

[دلیل چهارم: استصحاب 4](#_Toc487627885)

**موضوع**: احکام سعی /سعی /حج

**خلاصه مباحث گذشته:**

متن خلاصه ...

## ادامه بررسی حکم ترک غیر عمدی سعی

### بررسی حکم به بطلان احرام با ترک سعی

محقق خوئی فرموده: ترک سعی علاوه بر بطلان حج، سبب بطلان احرام هم می شود، اما این مطلب خلاف مشهور است.

#### دلیل بر بطلان احرام به بطلان سعی

محقق خوئی چنین استدلال کرده که هر مرکب ارتباطی، اولین جزئش مشروط به لحوق سایر اجزاء است و اگر ملحق نشود، کشف می شود که جزء اول مطابق با ماموربه نبوده است، مثل این که تکبیرة الاحرام بگوید و نماز را ادامه ندهد، کشف می شود که تکبیر از اول ماموربه نبوده است و تلبیه نیز زمانی سبب احرام است که امتثال امر باشد، چون امر ضمنی دارد و اگر سایر اجزاء اتیان نشود، کشف می شود که تلبیه، امتثال امر نبوده، پس از اول سبب تحقق احرام نشده است.

لذا با دلیلی ایشان بیان نموده، وجهی برای استثناء عمره مفرده نیست، در حالی که ایشان فرموده در عمره مفرده، شخص باقی بر احرام می ماند، و این خلاف دلیلی است که ذکر نمود.

##### نقد دلیل مذکور

فرمایش ایشان خلاف مشهور و خلاف صحیحه معاویة بن عمار است: وَ عَنْهُ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: يُوجِبُ الْإِحْرَامَ‏ ثَلَاثَةُ أَشْيَاءَ التَّلْبِيَةُ وَ الْإِشْعَارُ وَ التَّقْلِيدُ فَإِذَا فَعَلَ شَيْئاً مِنْ هَذِهِ الثَّلَاثَةِ فَقَدْ أَحْرَمَ.[[1]](#footnote-1)

این صحیحه اطلاق دارد و می فرماید این سه عمل و من جمله تلبیه، سبب حدوث احرام است، چه این که افعال بعدی انجام شود و چه انجام نشود.

لذا مشهور گفته اند احرام به بطلان سعی و امثال آن باطل نیست، بلکه حج به عمره مفرده تبدیل می­شود و در عمره تمتع نیز اختلاف است و برخی مثل آیت الله زنجانی گفته اند به حج افراد تبدیل می شود و برخی گفته اند به عمره مفرده تبدیل می شود.

#### ادله عدم بطلان احرام به بطلان سعی (قول مشهور)

دلیل مشهور، ممکن است یکی از این چند امر باشد:

##### دلیل اول

ادله ای که در محصور و مسدود آمده که باید با اعمال مخصوصی از احرام خارج شوند و این کشف می کند که به صرف عدم اتیان به نسک، انسان از احرام خارج نمی شود یا کسی که وقوفین از او فوت شود، بر اساس روایت احرام حج او به احرام عمره مفرده تبدیل می شود و نه این که از احرام خارج شود.

###### نقد دلیل اول

ما در محصور و مسدود و من فاته الوقوفین، تابع دلیل و تعبد هستیم، اما در دیگر موارد دلیل بر بقاء احرام نداریم و جزم به عدم خصوصیت هم نداریم تا الغاء خصوصیت نماییم.

##### دلیل دوم: اطلاق صحیحه معاویة بن عمار

وَ عَنْهُ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: يُوجِبُ الْإِحْرَامَ‏ ثَلَاثَةُ أَشْيَاءَ التَّلْبِيَةُ وَ الْإِشْعَارُ وَ التَّقْلِيدُ فَإِذَا فَعَلَ شَيْئاً مِنْ هَذِهِ الثَّلَاثَةِ فَقَدْ أَحْرَمَ[[2]](#footnote-2).

این روایت اطلاق دارد و ظاهرش این است که تلبیه سبب احرام می شود و تا مخرجی از احرام حاصل نشود، احرام باقی است.

###### نقد دلیل دوم

این روایت صرفا در مقام بیان اسباب حدوث احرام است، اما در این مقام نیست که تا چه زمانی احرام باقی می ماند.

##### دلیل سوم: اطلاق صحیحه دیگر معاویة بن عمار

مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: إِذَا ذَبَحَ‏ الرَّجُلُ‏ وَ حَلَقَ‏ فَقَدْ أَحَلَّ مِنْ كُلِّ شَيْ‏ءٍ أَحْرَمَ مِنْهُ إِلَّا النِّسَاءَ وَ الطِّيبَ ....[[3]](#footnote-3)

مفهوم روایت این است که اگر محرم، ذبح و حلق نکند، از احرام خارج نشده و محل نمی گردد.

###### نقد دلیل سوم

ظاهر این روایت این است که کسی که می خواهد از احرام در زمان حج خارج شود، باید ذبح و حلق کند، اما در این مقام نیست که اگر این کار را نکرد، تا ذی الحجة تمام شد، باز هم در احرام باقی می ماند.

علاوه بر این که ما مفهوم شرط را فی الجملة می دانیم و نه بالجملة.

##### دلیل چهارم: استصحاب

مشهور استصحاب در شبهات حکمیه را قبول دارند و بنا بر این مبنا، حدوث احرام که قطعی است به سبب روایت و بعد از شک، استصحاب می گوید هنوز احرام باقی است.

###### نقد دلیل چهارم

ما استصحاب در شبهات حکمیه را قبول نداریم و لذا از این جهت دلیلی بر بقاء احرام نداشته و مشکلی نداریم، مگر در امر ازدواج، زیرا در امر ازدواج، روایت می گوید «المحرم لا یتزوج و لایزوج» و کسی که شک دارد از احرام خارج شده یا نه، در واقع شبهه مصداقیه مخصص منفصل عموم صحت نکاح است و وقتی نتوان به استصحاب بقاء احرام رجوع کرد، نوبت به استصحاب عدم تحقق زوجیت یا همان اصالة الفساد می رسد و اگر بخواهد ازدواج کند، باید اعمال عمره مفرده را انجام دهد تا قطعا از احرام خارج شود.

بله، مرحوم تبریزی و محقق خوئی (در کتاب القضاء) قائل شده اند استصحاب عدم جعل زائد حاکم است، در ما نحن فیه هم استصحاب می گوید محرم بودن این شخص بعد از زمان انقضاء وقت حج یا عمره، جعل نشده است و از شبهه مصداقیه مخصص منفصل خارج می شود.

ولی ما این حکومت را قبول نداریم، بلکه بین جعل و مجعول عینیت است و نه تسبب، یک چیز است که به یک لحاظ جعل و به یک لحاظ مجعول است، و گرنه اگر تسبب بود، مشکل دیگری ایجاد می شد، زیرا استصحاب عدم جعل، مثل استصحاب عدم علت برای نفی معلول مثبت می­شد.

بله، اگر زوجه داشته باشد، با اصل حل می تواند اثبات حلیت استمتاعات بکند، اما ازدواج جدید نمی تواند بکند، مگر اعمال عمره مفرده را انجام دهد تا احراز خروج از احرام شود.

خلاصه بحث این شد که نسبت به غیر از ازدواج، اصل حل جاری می کنیم، چون استصحاب بقاء احرام را جاری نمی دانیم.

مطلب بعد

آیت الله زنجانی فرموده: طبق روایات، اگر شخصی در عمره تمتع سعی را عمدا هم تا روز عرفه ترک کند، حجش به حج افراد مبدل می شود،

مثلا در صحیحه ابان آمده است: مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارَ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ رِفَاعَةَ بْنِ مُوسَى عَنْ أَبَانِ بْنِ تَغْلِبَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) فِي حَدِيثٍ قَالَ: أَضْمِرْ فِي نَفْسِكَ الْمُتْعَةَ فَإِنْ أَدْرَكْتَ‏ مُتَمَتِّعاً وَ إِلَّا كُنْتَ حَاجّاً.[[4]](#footnote-4)

یعنی قصد عمره تمتع کن، اگر درک عمره کردی فهو و گرنه به حج افراد مبدل می شود و کسی هم که ترک سعی کرده، درک عمره تمتع نکرده و لذا مبدل به حج افراد می شود.

به نظر ما عرفا به کسی که عمدا در مکه سعی انجام نداده، نمی گویند لم یدرک، بلکه این رسیده و درک کرده، ولی خودش سعی را انجام نداده است، مگر با این مقدمه که اگر عمدا بیرون مکه بماند و داخل مکه نشود تا وقتی که زمان عمره تمتع منقضی شود، بر این شخص صدق می کند که درک عمره نکرده، ولو کوتاهی کرده باشد و بعد بگوییم این فرض با این فرض که داخل مکه بیاید و سعی نکند، فرقی نمی کند.

ولی باز هم به نظر ما این استدلال تمام نیست و حتی کسی که بیرون مکه است و عمدا داخل مکه نیامده، بر او صدق لم یدرک عمرة التمتع نمی کند، این تعبیر جایی صدق می کند که مجال و زمانی برای عمره تمتع نداشته باشد.

به عبارت دیگر؛ روایت می گوید ان ادرکت، شاید متعلق آن، «وقت عمرة التمتع» باشد، زیرا ظاهرا اصل روایت این باشد که فان ادرکت کنت متمتعا، گرچه «کنت» در منابع روایی نیامده، اما در جواهر با «کنت» نقل کرده، و گرنه روایت ناقص خواهد بود و متعلق ادرکت محذوف است و معلوم نیست که چه باشد و شاید متعلق آن وقت عمره تمتع باشد و نه خود اعمال عمره تمتع.

مثلا اگر گفته شود اسرع الی المسجد فان ادرکت و الا کذا، شاید متعلق ادرکت، زمانی که بتوان اقتداء کرد باشد و لذا اگر کسی عمدا اقتداء نکند، مشمول این تعبیر نخواهد شد.

لذا عدول به حج افراد دلیلی ندارد، اما برای احراز خروج از احرام و این که شبهه مصداقیه احرام نباشد، در عمره تمتع باید احتیاطا، هم اعمال حج افراد را بجا آورد و هم اعمال عمر مفرده را، لذا به نیت ما فی الذمة و اعم از این دو، باید اعمال را تمام کند.

1. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج11، ص279، أبواب استحباب الإشعار و التقلید...، باب12، ح، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/11/279/التقلید) [↑](#footnote-ref-1)
2. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج11، ص279، أبواب استحباب الإشعار و التقلید...، باب12، ح، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/11/279/التقلید) [↑](#footnote-ref-2)
3. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج14، ص232، أبواب أن المتمتع إذا حلق حل له...، باب13، ح، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/14/232/حلق) [↑](#footnote-ref-3)
4. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج11، ص296، أبواب وجوب عدول المتمتع الی...، باب21، ح، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/11/296/سقوط) [↑](#footnote-ref-4)